

بازار

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - سبک زندگی

یکشنبه ۱۴۰۱ ۱۴۰۱ شماره ۶۴۰۱

سینما

گفت و گو با سعید ساروقی، کارگردان مستند «هیپوتیزم» از آثار حاضر در جشنواره عمار

روایتی دیگر از نان‌گزیده‌ها



۱۰

رسانه

نگاهی به کارنامه مهدی نقویان
رئیس جدید مرکز سینما فیلم

مستند ساز انقلابی
سکاندار سینما فیلم شد



۶



نگاه آماری به ۱۳ دوره یک جشنواره مردمی

فانوس عمار؛ روشنگر راه تبیین

کارگردان نمایش «پرواز با بال‌های سوخته»:

با «هنر» حرف می‌زنیم

فرهنگ

۱۱

گفت‌وگو «جام جم» با عبدالرضا فیروزان، تهیه‌کننده و کارگردان

جایی برای زندگی بهتر

رسانه

۷

درنگ

اقتصاد هنر در اسارت برنامه‌های هدفمند و مهندسی شده

توسعه اقتصاد هنر با مدیران منفعیل، میسر نیست



در تعیین مدیران تجسمی است که تا اینجای کار دولت متمرکز نبوده و صدای رضایتی از جامعه تجسمی شنیده نمی‌شود و ناآرامی‌های اخیر بررسی این ناکامی را به بعدتر موکول می‌کند.

مدیران کار نابلد

قطعا نگاه راهبردی دولت در مقوله اقتصاد هنر نیازمند مدیرانی کاربلد و آشنا به این حوزه را می‌طلبد و عدم تلاش مدیر اجرایی اش در اداره کل تجسمی و حتی سیاستگذاری‌های برعکس آنها، مسیر را ناهموار و سخت کرده است، زیرا شرط نخست چنین توفیقی همدلی و همکاری همه اجزای جامعه تجسمی است که از ابتدای سال تاکنون بی‌مهری و بی‌اعتنایی دیده است. در ماه‌های اخیر که همه تلاش‌های وزارت ارشاد در جهت تنش‌زدایی از فضای هنری و تلطیف فضای گفتگویی هنرمندان است، عجیب است که به شهادت رسانه‌ها، در این مسیر متلاطمی اداره کل تجسمی کمترین تحرک و خلاقیتی بروز داده شده است.

باید دید با فروکش کردن فضای پرتنش، نقشه راه دولت برای هنرهای تجسمی و مقوله کلان‌تر و ملی اقتصاد هنر چیست؟ آیا این مفاهیم علمی که نیازمند تلاش هدفمند مهندسی شده خلاقانه است با این مدیران منفعیل به سر منزل مقصود می‌رسد؟

تجسمی منفعیل، بی‌خبر و بی‌صداست. این گلابه‌ها در حالی هر روز تندتر در جامعه تجسمی زمزمه می‌شود که همراه با این جمله معترضه همراه است: رئیس جمهور با هنرمندان تجسمی نشست برگزار کرد اما معاون هنری و مدیرکل هنرهای تجسمی از این کار دریغ کردند.

این جمله معترضه انضمام‌هایی هم دارد مثلا این‌که وزیر ارشاد فقط ۲۷ روز پس از تصدی با اهالی هنرهای تجسمی در فضای باز تالار وحدت دیدار کرد و جالب‌تر این‌که هفته بعدترش هم در دفتر کارش با جمعی دیگری از هنرمندان تجسمی نشست هم‌اندیشی برگزار کرد اما اداره کل تجسمی از دیدار با این همه هنرمند و گالری‌دار فراری است، چرا؟ به حتم بخشی از برنامه‌هایی که در این دیدارها مطرح شد، برای اقتصاد هنر تجسمی جنبه عملیاتی به خود نگرفته و به دلیل انتخاب نامناسب مدیران مربوط است که واقعا سابقه اجرایی‌شان نشان می‌دهد هیچ‌گونه شناختی از این حوزه جدی که جنبه‌های بین‌المللی حساسی دارد، ندارند. اما به نظر می‌رسد دست‌کم محمد مهدی اسماعیلی در یکی از برنامه‌های مهم خود یک کم‌کاری فاحش دارد که همین انتخاب

دیگری در تضاد کامل است و بی‌توجهی دفتر تجسمی به این خیر موجبات فرار سرمایه هنگفتی از این هنر شده است. این بازل این‌گونه تکمیل می‌شود که از اداره کل تجسمی ارشاد خبر می‌رسد مدیرکل بعد چند ماه حتی دیداری با انجمن هنرمندان نقاش و... نداشته است! نشانه اخیرتر همین که چهارماه است گالری‌ها تعطیل‌اند و مرکز هنرهای تجسمی در این مدت کمترین تلاشی برای بازگشایی آنها نکرده است و حتی سه، چهار گالری که خودجوش نمایشگاه برپا کردند هیچ حمایت معنوی و مادی ندیدند. عجیب آن‌که در خبرها آمده بود مدیرکل مرکز در همین مدت از دیدار با رئیس انجمن گالری‌داران هم سر باز زده است!

تعمیل‌اند و مرکز هنرهای تجسمی در این مدت کمترین تلاشی برای بازگشایی آنها نکرده است و حتی سه، چهار گالری که خودجوش نمایشگاه برپا کردند هیچ حمایت معنوی و مادی ندیدند. عجیب آن‌که در خبرها آمده بود مدیرکل مرکز در همین مدت از دیدار با رئیس انجمن گالری‌داران هم سر باز زده است!

همه مشغول کارند الا...

این درحالی است که سینماها باز و تئاتر روی صحنه است و اگر این روزها کنسرت‌های موسیقی هم کاملا تعطیل‌اند، دست‌کم دفتر موسیقی در ماه گذشته مجوز ۱۶۱ تک آهنگ، ۱۲۷ آلبوم موسیقی، شش نمایشگاه، ۱۹۷ قطعه شعر و هفت کتاب صوتی را صادر کرده و برای گشایش فضای موسیقی تلاش‌های بسیار می‌کند و بازتاب رسانه‌ای هم دارد اما دفتر

بیرامونی بسیار است؛ نمونه بارزش سختگیری باورنکردنی در خروج آثار هنری زیر چهل، پنجاه ساله از ایران! توریست‌هایی که بهار و تابستان از گالری‌های تهران اثر هنری خریدند، به جهت سختگیری‌های نامتعارف و نابجای مرکز تجسمی، اجازه خروج اثر هنری صادر نشد و نتوانستند آثار را با خود ببرند و خرید را لغو کردند.

تعمیل‌اند و مرکز هنرهای تجسمی در این مدت کمترین تلاشی برای بازگشایی آنها نکرده است و حتی سه، چهار گالری که خودجوش نمایشگاه برپا کردند هیچ حمایت معنوی و مادی ندیدند. عجیب آن‌که در خبرها آمده بود مدیرکل مرکز در همین مدت از دیدار با رئیس انجمن گالری‌داران هم سر باز زده است!

گسترش بروکراسی اداری

به همین ترتیب ریتم کند و تنش‌زای صدور مجوز برپایی نمایشگاه‌ها که بسیاری از گالری‌ها را تا شب افتتاحیه جان به لب کرد، ازدیاد عجیب آثار هنری فیک و جعلی از اساتید زنده هنر در بازار و بی‌عملی محض دفتر تجسمی، تاکید مضارنه به حمایت از نوع خاصی از هنر و عدم اشاعه هنر ایرانی اسلامی، عدم برپایی نشست‌های هدفمند برای رفع موانع احیای بازار هنر و برعکس تشکیل انواع شوراها که فقط نشانه گسترش بروکراسی اداری است، آن هم در عصری که به توصیه رهبر معظم انقلاب و تاکید دولت سیزدهم در عرصه فرهنگ و هنر از دولت آبی گرم نمی‌شود و کار را باید به بخش خصوصی سپرد.

جالب است شایعه‌ای که با سرعت نور در میان اهالی تجسمی پخش شده و موجزهای پنج‌ساله گالری‌ها به یک‌ساله تقلیل یافته است با روح سرمایه‌گذاری در این بخش و هر کسب و کار

بدون تعارف اگر دیروز گروه فرهنگ و هنر اقتصاد هنرهای تجسمی در پایان دولت قبل سکنه کرد و ضریب قلیش به شماره افتاد، در سایه سلسله‌گفت‌وگوهای امیدبخش دولت سیزدهم در پاییز ۱۴۰۰ جان کم‌رنگی گرفت اما انفعال و تعلل مرکز تجسمی و معاونت هنری و صدالبته نارامی‌های ماه‌های اخیر سبب شد تا این بیمار نزار همچنان در بستر احتضار بماند.

وزیر ارشاد در بدو ورودش به خصوص در وادی هنرهای تجسمی، نسخه‌های مستقیم برای رونق اقتصاد هنر داشت؛ از ماموریت مستقیم به صندوق اعتباری هنر در امر کارگشایی و کمک به هنرمندان تا تاکید ضروری بر اعتماد به بخش خصوصی و حضور پررنگ کارآفرینان فرهنگ و هنر گرفته تا بهره‌گیری از توان رازینان فرهنگی ایران در سراسر دنیا.

بدون اغراق تنها بخش موفق در اجرای این وعده‌ها، صندوق اعتباری هنر بود که تا حدودی توانست مشکلات به وجود آمده در دوران کرونا را حل کند. اما واقعا دیگر فهرست شدگان در امر رونق بخشی به فضای هنر و راهبرد تعیین‌کننده اقتصاد هنر در محاق و ناکام ماندند؛ مرکز هنرهای تجسمی که نه تنها با کارآفرینان هنر حتی یک جلسه هم‌اندیشی برگزار نکرد، بلکه به جای واکاوی تحدیدهای فضای کسب و کار هنر به سمت انسداده در این حوزه میل پیدا کرد.

سدی در برابر رونق اقتصادی هنر

رونق اقتصاد هنر و در سطح پایین‌تر تکاپوی بازار هنر، چابکی و دانش منطقه‌ای می‌طلبد که مرکز هنرهای تجسمی و دیگر مدیران این رده در یک سال اخیر کاملا به آن بی‌اعتنا بوده‌اند و اگر قرار به ارائه آمار براساس گفت‌وگوهای وزارت باشد قطعا مظلومیت مغفول ماندن این معناهای زیرساختی عیان‌تر می‌شود. اقتصاد هنر و بازار هنر که برای دولت سیزدهم رویکرد اصلی بود پیشکش، مدیران نابلد میانی تجسمی در این مدت زمینه‌ساز فرار سرمایه‌ها هم شده‌اند، دلایل این ادعا در محیط

سربازان کوچک، میزبان زوران کودک

از دحام به زیارت بروند و بچه‌ها هم بازی کنند و مطالبی یاد بگیرند. اصولا طرح این ایده که در چنین مراسم بزرگی، محلی برای بازی و یادگیری کودکان با هدف معرفی حاج قاسم که نمونه کاملی از سربازان امام زمان است خود یک خلاقیت به حساب می‌آید. البته خادمان این موبک با صبر و حوصله و مهربانی، فضای جذابی برای کودکان فراهم کرده بودند. ابتدای ورود کودکان به موبک با همراهی مربیان بازی‌ها شروع می‌شد. در لایه‌لای بازی‌ها بحث خصوصیات اخلاقی حاج قاسم هم آموزش داده می‌شد. بعد از آن هم نقاشی‌هایی درباره سردار می‌کشیدند، در پایان هم هنگام رفتن از موبک جایزه‌ای به آنها داده می‌شد که خاطره این حضور برای او به یادگار باقی بماند.

پدر و مادها با این کار خود به راحتی زیارت می‌کردند و کودکان میان شلوغی اذیت نمی‌شدند و هم کودک آنها بازی و لحظات شادی را سپری می‌کرد. خادمان موبک هم کارهای تربیتی را انجام می‌دادند. این موبک نشان داد می‌تواند از ظرفیت مراسم و همچنین عشق مردم و بچه‌ها برای بحث‌های تربیتی و معرفی یک الگو و مکتب شاخص برای نسلی که در آینده می‌تواند در تعیین سرنوشت نظام اسلامی نقش‌آفرین باشد، استفاده کرد. لازم است دستگاه‌های فرهنگی با توجه بیشتر به این برنامه‌ها بستر مناسبی را برای آنها ایجاد کنند تا آنها بتوانند برنامه خوبی آموزش دهند. قطعا معرفی شهید سلیمانی می‌تواند برای آینده کشور برکات زیادی داشته باشد، چون او نمونه یک انسان کامل پرورش یافته مکتب خمینی کبیر بود.



علی جعفرزاده نویسنده

سردار در گلزار شهدای کرمان برگزار شد. مردم کرمان هم مثل همیشه در مهمان‌نوازی کم نگذاشتند. موبک‌های همه شهرهای استان کرمان برای پذیرایی از زائران برپا شد که در زمینه‌های متنوعی خدمت‌رسانی می‌کردند. اما در این بین موبکی بود که کار و فضای آن با سایر موبک‌ها فرق داشت: سربازان کوچک امام زمان. موبکی که در مسیر گلزار شهدای کرمان و مزار سردار سلیمانی را در خدمت زوار کوچک بود. این موبک اگرچه در ظاهر یک مهدکودک ساده به نظر می‌آمد، اما در واقع، اهداف و کارکردهای بیشتری را دنبال می‌کرد. جامعه هدف این مجموعه کودکان ۳ تا ۱۰ سال بود. دلیل اصلی برپایی آن هم آشنایی این زوار کوچک با حاج قاسم و شیوه رفتاری او به زبان کودکان بود که با قصه‌خوانی و بازی انجام می‌شد.

فضای داخلی موبک، تداعی‌کننده حس خوبی برای کودکان است. بازی‌ها، تصاویر، نقاشی‌ها و حتی اسباب‌بازی‌ها همگی به منظور معرفی قهرمان ملی برای بچه‌ها و به زبان خودشان است. یکی از بچه‌ها که لباس طوطی به تن دارد می‌رود و در مسیر زائران می‌گوید مهد ما جای بازی خوبی دارد و از پدر و مادها می‌خواهد بچه‌ها را به آنجا ببرند. پدر و مادها، بچه‌ها را به موبک می‌آورند تا خودشان در آن شلوغی و

